



## Scrutiny and Analysis of Linguistic Features in Manuscripts Explanations of Ganjavi's Nezami *Sharafnameh*

Ebrahim Eghbali<sup>1</sup> | Mohammadreza Abedi<sup>2</sup> | Mohammad Khakpour<sup>3</sup> | Abbasalt Ahmadi Disaj<sup>4</sup>

1. Corresponding author, Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, University of Tabriz , Tabriz, Iran. E-mail: [eghbaly@tabrizu.ac.ir](mailto:eghbaly@tabrizu.ac.ir)
2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: [abedi@tabrizu.ac.ir](mailto:abedi@tabrizu.ac.ir)
3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature , Faculty of Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: [Khakpour@tabrizu.ac.ir](mailto:Khakpour@tabrizu.ac.ir)
4. PhD Candidate, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran. E-mail: [abasatahmadi@yahoo.com](mailto:abasatahmadi@yahoo.com)

### Article Info

### ABSTRACT

**Article type:**

Research Article

**Article history:**

Received 23 January 2022

Received in revised form 29

November 2022

Accepted 02 March 2024

Published online 08 September  
2024

**Keywords:**

Linguistic, features,  
Manuscripts descriptions,  
*Sharafnameh*, Nezami  
Ganjavi

Enthusiasts of Iranian culture and literature Subcontinental countries, etc. have always been in search of literary inspiration and a correct understanding of Persian Texts, they have been diligent in understanding them, and from their own and others' point of view, they have described works such as Ganjavi's Nezami *Sharafnameh* have been paid. In this article, the authors have emphasized the use of words, written morphology and grammar in the manuscripts of Ganjavi's Nezami *Sharafnameh*, using a library method. They describe them according to their linguistic and stylistic features. The results of this study, after briefly introducing the manuscripts of Sharafnameh's commentaries as scientific-literary texts, show that all the commentators have a good command of the Persian language in view of their geographical area, the Indian subcontinent, and explain the meanings and concepts in simple, comprehensible words and sentences. , explicit, clear and consistent with the standard language of India and even Iran at that time, they have directly transmitted. While writing in a simple way, they used Arabic and native words or the terms of literary techniques and...and avoided exaggeration and the use of synonyms In addition, in the written explanations, grammatical coordinates such as extra descriptive syntactic combinations, Arabic combinations and...are used and the prose has removed them from uniformity, so the style In terms of vocabulary and morphology, in the components of selection, invention and ...they are more in line with the features of Ghaznavid and Seljuk period (intermediate) prose, which indicates that their prose is scientific.

**Cite this article:** Eghbali, E. & Abedi, A.; Khakpour, M & Ahmadi Disaj, A. (2024). Scrutiny and Analysis of Linguistic Features in Manuscripts Explanations of Ganjavi's Nezami *Sharafnameh*. *Persian Language and Literature*, 77 (249), 78-97. <http://doi.org/10.22034/perlit.2023.50036.3262>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/perlit.2023.50036.3262>

Publisher: University of Tabriz.

## بررسی و تحلیل ویژگی‌های زبانی در نسخ خطی شروح شرف‌نامه نظامی گنجوی

ابراهیم اقبالی<sup>۱</sup> | محمد رضا عابدی<sup>۲</sup> | محمد خاکپور | اباصلت احمدی دیزج

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: [eghbaly@tabrizu.ac.ir](mailto:eghbaly@tabrizu.ac.ir)
۲. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: [abedi@tabrizu.ac.ir](mailto:abedi@tabrizu.ac.ir)
۳. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: [Khakpour@tabrizu.ac.ir](mailto:Khakpour@tabrizu.ac.ir)
۴. دانشجوی دکترای، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: [abasatahmadi@yahoo.com](mailto:abasatahmadi@yahoo.com)

### چکیده

مشتاقان فرهنگ و ادب ایرانی همواره در کشورهایی مانند هند، پاکستان، افغانستان و ... در پی التذاذ ادبی و دریافت صحیح از متون فارسی بوده، در تقهیم آن‌ها اهتمام ورزیده و به شرح آثاری مثل شرف‌نامه نظامی گنجوی پرداخته‌اند. نگارندگان در این مقاله به روش کتابخانه‌ای به کاربرد واژه‌ها، ریخت‌شناسی نوشتاری و دستور زبان در نسخ خطی شروح شرف‌نامه نظامی گنجوی تأکید نموده با توجه به ویژگی‌های زبانی و سبکی آن‌ها را به دلیل همپوشانی و همسانی نشرشان توصیف می‌کنند. نتایج این بررسی بعد از معرفی مختصات نسخ خطی شروح شرف‌نامه به عنوان متون علمی ادبی نشان‌دهنده آن است که همه شارحان با نگرش به محدوده مکانی آن‌ها، شبه‌قاره هند، بر زبان فارسی تسلط خوبی داشته و معانی و مفاهیم را با واژگان و جملاتی ساده، قابل فهم، صریح، روشن و منطبق با زبان معيار هند و حتی ایران زمان خود مستقیم انتقال داده‌اند. در عین ساده‌نویسی، از واژه‌های عربی و بومی یا اصطلاحات فنون ادبی و دیگر علوم و نیز آیات قرآنی و احادیث و عبارت‌های عربی بهره برده، از اطناب و زیاده‌گویی و کاربرد واژه‌های متراծ و پی‌درپی پرهیز کرده‌اند. علاوه بر این، در شروح خطی مختصات دستوری ای مانند ترکیبات نحوی اضافی و صفتی، ترکیبات و تکیه کلام‌های عربی، آیات و احادیث، افلل تفضیل، حروف و اسامی و افعال ساده و کهن استفاده شده و نثر آن‌ها را از یکدستی دور کرده‌است پس سبک آن‌ها از نظر واژگان و ریخت‌شناسی، در مؤلفه‌های گزینش، ابداع و ساخت واژگان و رسم الخط بیشتر منطبق با ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی (بینایین) بوده، نشانگر علمی بودن نثر آن‌هاست.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

### کلیدواژه‌ها:

ویژگی‌های زبانی و سبکی، نسخ خطی شروح، شرف‌نامه، نظامی گنجوی.

استناد: اقبالی، ابراهیم؛ عابدی، محمد رضا؛ خاکپور، محمد و احمدی دیزج، اباصلت. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل ویژگی‌های زبانی در نسخ خطی شروح شرف‌نامه نظامی گنجوی، زبان و ادب فارسی، ۷۷ (۳۴۹)، ۷۸-۹۷.

<http://doi.org/10.22034/perlit.2023.50036.3262>

© نویسنده‌ان.

ناشر: دانشگاه تبریز.





## مقدمه

نسخه‌های خطی از ارزشمندترین ذخایر ملی - فرهنگی در هر کشوری هستند. ادبپژوهان «نخستین گام در پیشرفت ادبیات فارسی را کوشش در تصحیح و تدقیق همراه با نقد و عرضه نسخه‌های خطی دانسته‌اند» (همایی، ۱۳۹۰: ۱۱) چراکه بی‌مدد «نقد، مقایسه و تصحیح، نمی‌توان زندگی گذشتگان، آراء و عقاید آنان را بازشناخت» (فدایی، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

یکی از این آثار کهن مکتوب، شرفنامه نظامی گنجوی است. خوانندگان این اثر پر رمز و راز گاهی به دلیل وجود ابهام، در درک بعضی از ابیاتش دچار مشکل شده، سردرگم می‌مانند به این جهت عده‌ای دست‌به‌قلم شده، از دیدگاه‌های مختلف و از چشم‌انداز ذهن خویش به شرح آن پرداخته‌اند و هر کدام با ترجیح نظرات و معلومات خود «برای رفع پیچیدگی‌ها از متون ادبی و تهییم خواننده و آماده کردن او برای درک و دریافتی خوب و پویا تلاش کرده‌اند.» (علوی‌مقدم، ۱۳۸۹: ۶۳-۸۰) و علاوه بر رفع ابهامات «در پی دستیابی به درک تجربه شخصی شاعر و کلیدی برای دریافت حافظه عاطفی دیگر شاعران پس از او بوده‌اند» (فرزاد، ۱۳۸۸: ۱۶۷) و اطلاعات مختلف ادبی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و... مطابق سطح مخاطب و ذوق و علم خویش ارائه داده‌اند که بیشتر برگرفته از فرهنگ‌های لغت مانند جهانگیری، رشیدی و ... است.

این شروح خطی آن زمان مشکل‌گشای بسیاری از مخاطبان ادب فارسی بوده و امروزه هم تحلیل و مقایسه آن‌ها می‌تواند تأثیرگذار و بالهیمت باشد چراکه در عهد شارحان شروح خطی شرفنامه، «زبان فارسی در هند زبان علمی و مترقبی و دلیل شرافت، فضل و عزت محسوب می‌شد» (بهار، ۱۳۸۶: ج ۳، ۲۵۷). چه بهتر که به توصیه مینوی، محققان را «تشویق کنیم که آن کتب را مطالعه نمایند و تصحیح، مقابله و منتشر کنند» (ستوده، ۱۳۸۶: ۴۳۰).

## ۱. پیشینه تحقیق

متأسفانه تحقیقاتی که درباره شروح خطی انجام داده‌اند خیلی زیاد نیست؛ با این حال مهم‌ترین تحقیقات در این حوزه عبارت‌اند از: بررسی، تحلیل و معرفی سبک نسخه خطی شرح فارسی بر کافیه ابن حاجب (۱۳۹۷)؛ مقایسه اختلافات شرح مثنوی نیکلسون در دفتر اول با شرح مثنوی فروزانفر، کریم زمانی و استعلامی (۱۳۹۴)؛ تحلیلی بر رویکرد سبکی نسخه خطی شرح محبت‌نامه جامی (۱۳۹۷)؛ بررسی محتوایی و سبکی نسخه خطی «ترجمه و شرح رساله طب‌القلوب» (۱۳۹۷) و تحلیل اولین شرح دیوان انوری (۱۳۹۵).

در موضوع بررسی شروح چاپی شرفنامه پژوهشگران محدودی از جمله غلام‌حسین‌زاده و همکارانش (۱۳۸۷) مقاله‌ای نوشته و شروح ثروتیان، وحید دستگردی، زنجانی و عبدالحمیدی را در سه حوزه واژگان، عبارت و کل بیت بررسی و باهم مقایسه نموده‌اند. با اینکه حمیدرضا شایگان‌فر در مقاله‌ای به «نقد تصحیح خمسه نظامی» به کوشش بصیر مژده‌ی در مقایسه با نسخه‌های مصحح وحید پرداخته است (شایگان‌فر، ۱۳۹۳: ۴۱) اما تا به حال درباره «بررسی و مقایسه شروح کهن خطی شرفنامه از نظر زبانی، سبکی و...» تحقیقی انجام نشده است.

## ۲. بیان مسئله

مسئله اصلی این مقاله شناخت شروح خطی شرفنامه نظامی گنجوی به دلیل کم‌توجهی به آن‌هاست. امروزه بررسی و مقایسه آن شروح در حوزه ادب‌پژوهی نه تنها یک کار علمی بلکه کار ادبی و بازسازی چندین اثر خطی نیز است. لذا نگارندگان در این مقاله سعی دارند به بررسی و مقایسه چهار شرح خطی شرفنامه از نظر ویژگی‌های زبانی پردازنند و ضمن دریافت نقاط ضعف و ناتوانی‌های

شارحان از نکات قوت آن‌ها بهره بجویند تا آیندگان راه تازه‌ای در شرح متون بیابند و «شناخت، بیشن نو، تصویر واقعی و راهنمای عملی به دست آید» (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۶).

در این بررسی، ابتدا متون چهار شرح خطی شرف‌نامه خواند و شده، محتوای آشکار و پنهان و داده‌های کمی و کیفی این شروح به روش تجمعی کتابخانه‌ای (رك. نوشادی، ۱۳۸۶: ۵) گردآوری شد. با مقایسه عینی آن‌ها ابتدا ویژگی‌های مشترک زبانی و سبکی بیان شده سپس تفاوت‌های هریک مطرح گردید و برای نتیجه‌گیری بهتر بعضی از داده‌های قابل شمارش به صورت جدول فراوانی ارائه شد. درنهایت با توجه به نمونه‌ها قضابت و نتیجه‌گیری شد تا سبک کلی نسخ شروح خطی شرف‌نامه مشخص شود. زیرا از نظر گمنام ماندن، تأویلی و تفسیری بودن و محدوده جغرافی‌شان اهمیت دارند و از جهتی مخاطبان با شناخت ویژگی‌های زبانی و سبکی آن‌ها با مطالعه آسان و روان درک درستی به دست خواهند آورد.

### ۳. بحث و بررسی

#### ۱-۳. جایگاه شرف‌نامه در آثار نظامی

موضوع مثنوی شرف‌نامه نظامی فتوحات و جنگ‌های اسکندر در خشکی‌هast که از سه قسمت ساقی‌نامه، اندرزنامه و روایت داستان تشکیل می‌شود. این مثنوی از جهات مختلف اهمیت داشته و از دیگر آثار نظامی متمایز می‌شود:

**نخست** اینکه شرف‌نامه علاوه بر صور خیال، ترکیب‌سازی و... از نظر روایت و شکل داستانی و انسجام، ارزش ادبی دارد و بر عکس دیگر آثار نظامی انواع ادبی غنا، حماسه و تعلیم را در هم می‌آمیزد با وجود نارسایی‌ها در حد ایده‌آل، صحنه‌های حماسی را توصیف می‌کند. همچنین وی ساقی‌نامه‌ها را به قصد براعت استهلال در دو بیت به عنوان چکیده داستان‌های بعد از آن می‌آورد (رك. ترابی، ۱۳۷۰: ۵). از جهتی دیگر شرف‌نامه اثری باز خلاقانه از شاهنامه فردوسی است زیرا «نمی‌خواهد حرف‌های او را تکرار و در در شایسته دو سوراخ بسازد» (عم: ۳۴ج).

**دوم** اینکه نظامی در شرف‌نامه موضوع تاریخی سرگذشت اسکندر را با تکیه بر منابع تاریخی یا داستانی ذکر می‌کند:

هم از نامه مرد ایزد شناس	ز تاریخ‌ها چون گرفتم قیاس
(مجس: ۴۲ج)	

و با تعمق زیاد در بخش تاریخی یا اسطوره‌ای قرآن مجید، کتب تاریخی و اسناد مکتوب و مخصوصاً روایات یهودی، نصرانی و روایت فردوسی (همان: ۴۱ج ح؛ سلطانیه) (مجن: ۲۶ج) را با عبارت «گزاره سخن را درستی نبود!» معتبر نمی‌داند و فقط به یک مأخذ معتبر از «پیر دیرینه سال» که شاید یکی از تاریخ‌نگاران گذشته بوده، اکتفا می‌کند (رك. ثروتیان، ۱۳۶۸: ۶۰۰). این عدم استناد به نقل قول‌های شفاهی و استناد به اسناد معتبر یک اصل مهم در تاریخ‌نگاری است.

**سوم** اینکه شرف‌نامه جایگاه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد زیرا در آن اندیشه‌های مدیریتی نظامی گنجوی بیشتر در گفتار و کردار اسکندر برای هدایت جامعه در جنبه‌های دین، سیاست، فرهنگ و... نمودار می‌شود. نظامی به موقع تعلیم می‌دهد به موقع انتقاد می‌کند:

که میلش بود سوی آموزگار کز این گوش گیران شوم گوشه‌گیر (مجک: ۹۲)	نبینم کسی را در این روزگار چو من بلبلی را بود ناگزیر
---	---

### ۳-۲. معرفی مختصر شروح خطی شرفنامه نظامی

- شرح اسکندرنامه سراجالدین علی آرزو (۱۲۹۳ق) که به خط نستعلیق و به رنگ مشکی در ۲۷۵ برگ ۱۹ سطری نوشته شده است. آرزو با استفاده از منابع مختلف با نقد نظریات فردی به خیرالشارحين شرح کاملی را ارائه داده است. «عم».
  - شرح شرفنامه که شارح آن ناشناس (قرن ۱۳) است با خط نسخ در ۹۴ برگ ۲۱ سطری با نثر تلگرافی نوشته شده است. با اینکه مؤلف آن ناشناس بود اما از مقایسه با ارجاعات نسخه «عم» مشخص شد که مؤلف آن محمد اکرم صاحب است. «مجن».
  - شرح شرفنامه که مؤلفش ناشناس است به خط نستعلیق ساده در ۲۸۰ برگ ۱۹ سطری نوشته شده شرحی مفصل و کامل است اما اندکی افتادگی دارد و با مقایسه با عم معلوم می شود که جر در موارد خاص، بیشتر گفته های آرزو را بازنویسی یا تلخیص نموده است. «مجک».
  - شرح محمد نصیرالدین سفیانی، بدون تاریخ است، نستعلیق تحریری خوانا دارد، شرح آن نسبت به شروح دیگر عمق بیشتر داشته از علوم دینی و عرفانی بیشتر بهره برده است.
- غیر از چهار شرح که به دلیل در دسترس بودن و کامل بودن نسبی آنها انتخاب گردید، بیش از دویست و پنجاه نسخه خطی شروح اسکندرنامه با کیفیت های مختلف در کتابخانه های ایران، پاکستان، افغانستان و هند وجود دارد که دستیابی به آنها بسیار دشوار است. بیشتر این نسخه ها با عنوان «شرح اسکندرنامه» اغلب به شرح کل شرفنامه یا قسمتی از آن پرداخته اند. کهنه ترین نسخه شرح خطی، شرح شرفنامه خسروان عبدالکریم است که در رمضان ۱۰۵۱ق در سی و چهار بیت گزارش شده که در کتابخانه پنجاب است. بعد از آن، شرح «فواید علیشیر» که محی الدین نظام در صفر ۱۰۷۶ق / اوت ۱۶۶۵م نوشته است. بقیه شروح خطی اسکندرنامه (شرفنامه) مربوط به قرون ۱۱، ۱۲ و ۱۳ هجری قمری است. نزدیک ترین نسخه خطی به زمان حاضر، شرح محمد اکرم بن عبدالرزاق ملتانی قادری است که در جهنگ چنیوت هند نگهداری می شود. علاوه بر این عناوین مستقل با عنوان «شرح شرفنامه» از مؤلفانی مانند بخشی افغان بن محمدامین (۱۲۸۷ق) سراج الدین علی خان آرزو اکبرآبادی، (۱۱۶۹ق). ناشناس (سدۀ ۱۳ق) محمد سیف الله احمدآبادی. (سدۀ ۱۳ق) محمد اشرف (بی تا) ناشناس (۱۱۹۷ق) در فهرست نامه ثبت شده است (رك. رادر، ۱۳۷۱: ۱۷۹-۱۸۵).

### ۳-۳. بررسی ویژگی های زبانی

ویژگی های زبانی یکی از مؤلفه های تعیین سبک شاعر و نویسنده است و «سبک» روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب جملات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است (بهار، ۱۳۸۶، ج ۱: د). در کتب شرح متون ادبی با روش خاص و داشتن ویژگی های متعدد، افکار شاعران و نویسندگان بیان شده است. در این میان ویژگی های نسخ خطی شروح شرفنامه به خاطر محدوده زمانی و مکانی یکسان تا حدودی به هم نزدیک است. بیشتر این شروح از قرن دهم تا قرن سیزدهم تألیف شده، نشر ساده داشته و با وجود عینا کی تا حدودی تکامل یافته به نظر می رسد و با توجه به ماهیت نثر علمی در نوشتار خود هنرورزی نکرده اند و چون سبک شناسی لایه های مختلف آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۳۷) متن را بررسی می کند در این مقال برای بررسی و مقایسه بهتر هریک از این شروح به تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده پرداخته و فقط ویژگی های زبانی را در سطوح آوایی، ریخت شناسی واژگان و دستور زبان مورد بررسی قرار داده و برای هر کدام مثال هایی ذکر می شود تا درباره سبک آنها قضاوت شود.

### ۱-۳-۳. سطح آوایی

شارحان شرف‌نامه در نسخ خطی با توجه به علمی بودن زبان، از امکانات آوایی فقط برای انتقال مستقیم مفاهیم استفاده می‌کند و جملاتی ساده، بی‌تكلف، بی‌حاشیه، شفاف، روشن، بی‌تعارف و بی‌ابهام به کار می‌گیرند. در هیچ‌کدام از شروح از نظر آوایی، تلفظ حروف، واژه‌ها و جمله‌ها، تنافر و پیچیدگی نیست.

برای نمونه: «مراد آسمان و زمین است که اعظم آیات الله و اظهر آنند. بعضی مردمان در این باب اعتراض می‌کند که چیزی که پناه آن رب‌العزت باشد پس نیستی او که مصرع ثانی دال بر آن است؛ چگونه باشد و نفهمیده‌اند که مراد از پناه، قایم کننده باشد» (عم: عج).

کاربرد بیشتر امکانات زبانی در شروح نشان می‌دهد که مختصات آوایی هر چهار شرح با زبان معیار زمان متناسب است چنان‌که با عبارت‌هایی نظیر «خلاف محاوره است» (عم: ۷ج)، «در محاوره فارسیان نیست» «در محاوره اهل زبان نیست» (مجک: ۴۹ج)، «محاوره بدان مساعدت نمی‌نماید». (عم: ۱۳ج) به نقش سطح آوایی در متون مختلف در شروح خطی اشاره کرده‌اند. درصد بالای تکرار این جملات در چهار شرح نشانه‌ای از اعتلای نثر سراج‌الدین خان آرزو و مجک است که از «مختصات آوایی نثر فنی» می‌باشد اما بسامد پایین دارد.

سطح آوایی: توجه به زبان محاوره

عم	مجک	مجن	مجس
۸۳	۳۶	-	-

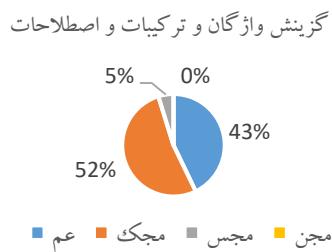
### ۲-۳-۳. سطح واژگانی

#### گزینش (choice) واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات

شارحان غیر از مقدمه از واژه‌های چندپهلو و دیگر صور خیال مانند استعاره و تشبيه استفاده نکرده بلکه اغلب از واژگان، اصطلاحات ادبی و جملات در معنای حقیقی یا انتزاعی بهره گرفته‌اند که ممکن است در علوم مختلف معانی و مصادق‌های متفاوت داشته باشند. تعدد این اصطلاحات شروح خطی را به مجموعهٔ متنوعی از انواع واژگان و اصطلاحات بدیع، معانی، نکات دستوری و مهم‌تر از همه نقد ادبی تبدیل کرده‌است. بعضی از این اصطلاحات، باگذشت زمان، کهنه‌شده، باعث پیچیدگی جملات می‌شود مانند اصطلاح قطعه‌بند، معجمه و مهمله و... که در بیشتر نسخ دیده می‌شود.

برای نمونه: مشعله: ... به عنین مُعجمه نیز گفته‌اند و این بعید است. (عم: ۱۰ج)؛ مشغله: ... با غین معجمه است (مجس: ۷ار) و...

کاربرد این نوع واژه‌ها و اصطلاحات در نسخه مجن مشاهده نشد اما در سفیانی کاربرد اندک و در نسخه آرزو و مجک بسامد بالایی دارد. در این شروح کاربرد لغات فارسی قدیمی و مهجور که ویژگی سبک مرسل است، بسامد اندکی دارد. از جمله: از «نهیب» غوغای پیلان از خاموشی بی‌صبر شده (بیم و ترس) (مجس: ۸۱ر).



### مبای گزینش واژگان

معمول‌اً مبای گزینش واژگان، منابع و مأخذ مورداستفاده و ابیاتی است که شرح داده می‌شود. شارح ابتدا با توجه به مشکل موجود در بیت و رعایت حال مخاطب واژه‌هایی را با پشتونه فکری و علمی و نیز ذخیره واژگان ذهنی و منابع متعدد بر می‌گزیند تا با اظهار فضل مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد (رك. غریب، ۱۳۷۸: ۱۰۳).

برای نمونه: جهان بالکسر، جهنه و بال فتح، روزگار و در «مؤید» است از خدمت امیر شهاب الدین کرمانی و شیخ واحدی شیرازی رحمهمالله به معنی روزگار نیز به کسر است؛ و در «قنية» به معنی مال و اسباب دنیا نیز آمده است و «شرح مخزن الاسرار» بدین معنی بالفتح هست (مجس: ۴ج).

### تنوع واژگانی (هندي، تركي و عربي)

از دلایل تنوع واژگانی در شروح خطی استفاده متناسب از واژگان هندی، ترکی و عربی در کنار واژگان فارسی است. شارحان از واژه‌های هندی و ترکی به مقتضای حال مخاطب و با توجه به «قابلیت زبانی ضمن مقایسه زبان‌ها» (خاکپور و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۰) برای بیان معادلهای بعضی از اعلام نباتی، جمادی و حیوانی استفاده کرده‌اند، مانند مطرح: ... دام بزرگ به هندی بادر خوانند (عم: ۲۲ر)؛ درمنه: نام گیاه در هندی «کلام» (مجن: ۱۹ج)؛ طلق=در هندی ابرک (مجک: ۸۸ج)؛ پتک: در هندی هتوره فتراک: به ترکی «قنجغه» گویند (مجس: ۷۱ج؛ و ۱۷ر) و... کاربرد این واژگان، ناشی از گسترش زبان ترکی در دوره صفویه است که نفوذش از دوره غزنوی شروع شده است (بهار، ۱۳۸۶: ۲۹۲).

واژگان هندی، ترکی و عربی



شارحان در توضیحات خود از امکانات زبان عربی در تفهیم مطالب بهره برده‌اند که به مواردی اشاره می‌شود: - کلمات تنوین‌دار را به طور متعادل به کار می‌برند که از قدیمی‌ترین ادوار، وارد زبان فارسی شده و حضور آن در نثر فنی بسیار بیشتر از نثر ساده است (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۱۹۹) مانند خصوصاً و ایضاً (عم: ۱۱ج ح و ۲۶۱ر) و...

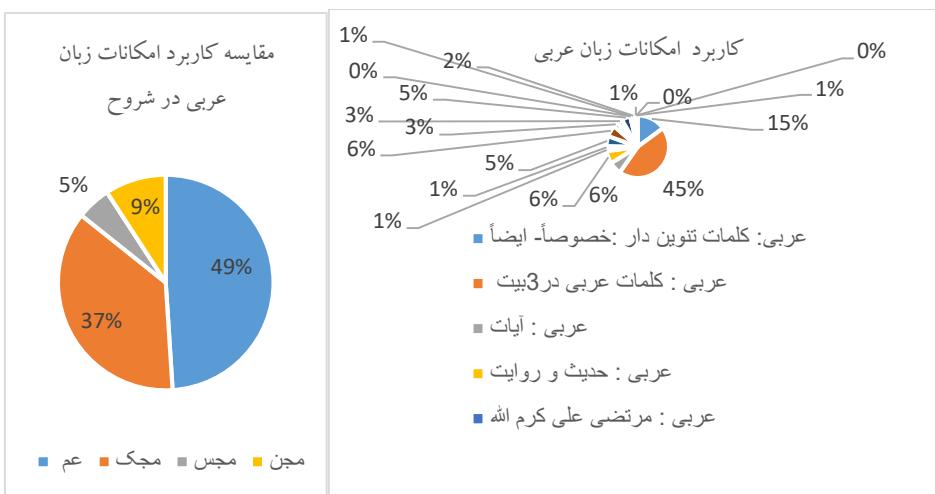
- بسیاری از کلمات و عبارات عربی شروح خطی در حوزه دین قارمی گیرد. مخصوصاً در کاربرد جملات دعایی و اشارات قرانی و روایی مانند مرتضی علی کرم الله تعالی وجهه (مجن: ۲۴) تا که آدمی را محبت الهی حاصل نیست به ادای چهار مذهب مستعبد گردیده است و... (مجن: ۲۴) و گاهی هم برای رعایت حال مخاطب و احترام مأخذ مورداستفاده از تکیه کلام‌های عربی استفاده می‌کنند که بیانگر سبک خاص آن‌هاست. از اصطلاحات عربی در پایان توضیحات طولانی و پردازه برای قانع کردن خواننده و تأکید بر گفته خود یا اطمینان از آن، مانند بسم الله، مَنْ ادْعَى فِعْلَيْهِ السُّنْد، انتها کلامه، هذا غایت التحقیق، هذا الباب، فافهم، فافهم قوله (مجس: ۱۸) استفاده می‌کنند؛ مثلاً «... از عالم این بیت عرفی:

من کیستم آن سالک کونین مسیرم کز بیخته جوهر قدس است خمیرم. فافهم» (عم: ۱۳۸) (ج: ۱۳)

یا به عنوان «سربنده» توضیحاتی که در آن شک و تردید دارند و یا مطلب از قدرت درکشان خارج است، «به عبارت‌های «الله اعلم» (مجن: ۲۶) (مجس: ۲۶)، الله اعلم به حقیقه الحال (عم: ۹۲) (مجک: ۱۴۰) (ج: ۹۲) و الله اعلم بالصواب (مجس: ۳۷) و: «هذا هوالتحقيق فلا يلتفت الى ما سبق اليه الاوهام.» (عم: ۱۶۸) (مجک: ۲۳۹) (ج: ۱۶۸) بسنده می‌کنند و در موقع دروغ، خرق عادت و نامناسب بودن گفته‌های شاعر و شارحان دیگر از «اعاذ بالله تعالى منها» (عم: ۱۳۵) (مجک: ۲۰۷) (ج: ۲۰۷) بهره می‌برند.

شارحان در کاربرد زبان عربی یکدست عمل نکرده‌اند با وجود این نثر و زبان ایشان امروزه هم برای عوام قابل‌درک است زیرا از کلمات عربی معمول و جالفتاده به‌جای کلمات فارسی و واژه‌های متراوف و معادل عربی و فارسی در یک یا دو جمله استفاده کرده‌اند، مانند «از همان کرده خویش پشیمان شد... . یعنی پشیمان از آن عمل بدان سبب شد که...» (مجک: ۱۳۷) (عم: ۹۰) (ج: ۲/۹۰) «اگر بازو به زای معجمه بود که به عربی غضد خوانند مناسب نمی‌شود.» (همان) در اطاعت و انقیاد به‌جای فرمان‌برداری (مجس: ۵۴) (ج: ۵۴) حرب به‌جای جنگ و لون و ترکیبات آن و فاضل‌تر به‌جای بهتر. (مجک: ۳۱) (عم: ۳۱) (ج: ۳۱) (مجن: ۱۶۱) (ج: ۱۶۱) (صعب به‌جای سخت) (عظیم به‌جای بزرگ) (مجس: ۲) (مجن: ۳۷) (ج: ۳۷) (مجک: ۵۲) (عم: ۵۲) (ج: ۵۲) اما گاه از واژه‌های عربی دشوار استفاده کرده‌اند که نیاز به معنی نمودن احساس می‌شود مانند **مزاولت**: اشتغال ورزیدن در کاری (همان: ۱۱۷) (عم: ۸۰) (ج: ۸۰) **مض محل** (مجس: ۵۷) (ج: ۵۷).

بسامد، تکرار و کثرت این ترکیبات و عبارات عربی می‌تواند یک مشخصه سبکی لحاظ شود زیرا از طرفی باعث به وجود آمدن یک مشکل خطابه به نام «تکیه کلام» شده و از جهتی دیگر سبک شارحانی چون آرزو، نصیر سفیانی و مؤلف مجک را از سبک مرسل به بین‌بین تکامل یافته ارتقا داده است.



از این شروح، شرح مجس و مجن از کلمات عربی نسبتاً کمتری استفاده کرده‌اند چنان‌که مجس کلمات عربی را بیشتر به زبان محاوره زمانش تبدیل می‌کند و مجن ذاتاً شرحی فرهنگواره است اما همگی شروح از این نظر هم عامده‌فهماند و نسخه عم و مجک در کاربرد زبان عربی در فارسی بالاترین بسامد را دارد.

### واژگان و ترکیبات نو

علاوه بر تنوع واژگانی گاه در شروح خطی شرف‌نامه به واژه‌ها، ترکیبات نو و ساختگی که گاه با «شبکه معنایی» همراه‌اند (رك. مدرسي، ۱۳۸۶: ۴۶۶) بر می‌خوریم که شاید به خاطر تأثیرپذیری شارحان از زبان و بیان نظامی یا به تقلید از نشر نویسان دوره صفویه باشد، مانند چسبان‌تر: زیباتر و جافتاده‌تر. (عم: ۱۵۲) از عالم: مانند. (عم و مجک: ۵) برای نمونه در قسمتی از شرح بیت زیر نوشته شده‌است:

روان کرد و با او بسی خاسته  
چونزلی چنین خوب و آراسته

خیرالشارحین گفته که مصرع دوم بیان بسی خواسته است. راقم گوید این اگرچه من حیث المعنی چسبان است لیکن دوری عبارت نمی‌خواهد که همان باشد زیرا چه تعقید است که مدخل فصاحت است لازم آمد پس صواب همان است که مانوشهایم (مجک: ۲۰۹) (عم: ۱۳۷).

کثرت کاربرد این ویژگی خاصه ایجاد شبکه معنایی در شرح آرزو و مجک بسامد بیشتر دارد اما در نسخه مجن به خاطر رعایت ایجاز در توضیحات بسیار کم دیده می‌شود؛ مثلاً

ترادف: سنگ و وزن / رفق و نرمی / خشنی و درشتی پالان... (مجس: ۳۷ ج / ۵۳ ج).

تضاد: خروس سفید: غول سیاه (عم: ۶۱/۲) میان آب و آتش است. (مجس: ۸۰) (مجک: عج).

تضمن: ترنج به تضمین به معنی میوه‌ای است معروف (ترنج-میوه) (عم: ۲۹، مجک: ۳۷) پرگار و خط (مجن: ۱۹).

### وازگان و ترکیبات نو

مجن	مجس	مجک	عم
۰	۰	۴۵	۴۸

### ساختمان وازگان

شارحان بدون دخل و تصرف و به طور طبیعی ساختهای مختلف وازگانی مانند ساده، مشق و مرکب و... را انتخاب و به کاربردها ند.

ساختمان وازه‌های غیر ساده، از دو یا چند اسم و وندهای تصریفی و اشتقاقي تشکیل می‌یابند.

وندهای اشتقاقي مانند «ی، گار، گر و...» وازه‌های جدید ساخته، گستره و امکانات زبان و قدرت بیان شارح را افزون تر می‌کنند؛

پیوسته (مجک: ۷۴ج) جنبش (مجس: ۱۶ج) (عم: ح.ام ۱۸ر) (مجن: ۸ج) جنبیدن (مجک: ۱۲۶ر).

از میان وندهای تصریفی (ها، ان، تر، ترین، م و...) پسوند «ها»؛ پرسامدترین پسوند جمع در شرح خطی است مانند **گوهه‌ها**

(عم: ۱۰۷ر) **اندام‌ها** (مجک: ۲۶ر) **گل‌ها** (مجن: ۱۰ج) **حکیمان** (عم: ۷۲ج) **منجمان** (مجس: ۶۶ر) و ...

یکی از نشانه‌های زبانی بیانگر سبک شارحان، در وندها، جمع بستن اسم جمع «مردم» با علامت «ان» است. (مجس: ۴۵ج)

(مجک: ۶۵ج) و (عم: ۲/۶۵ر) دیگر اینکه پسوند تر و ترین برای لغات فارسی و عربی استفاده شده است (مجک: ۵۸ج) (عم: ۴۹ج)

(مجس: ۴۱ج). همچنین کاربرد اعداد ترتیبی در عم و مجک به خاطر اطناب در توضیحات بسامد دارد و نیز در موردی به جای سیوم

از «سه دیگر» استفاده شده است. سه دیگر (مجک: ۱۸۵ج) (عم: ۱۲۱ر).

### ساختمان وازگان در ۳ بیت به طور اتفاقی

مجن	مجس	مجک	عم		
۱۵	۱۰۲	۲۲۷	۲۶۵	اسم ساده	۳ نام وازگان ۲ مشتق ۱
۴	۲۴	۲۷	۲۷	غیرсадه: مشتق	
۱	۱	۳	۳	غیرсадه: مرکب	
۰	۱	۰	۰	غیرсадه: مشتق مرکب	
۴	۲۱	۴۱	۴۰	فعل ساده	
۰	۳	۶	۶	فعل مرکب	
۰	۱	۵	۵	فعل پیشوندی	

کاربرد کلمات ساده و شبه ساده در شرح خطی بیشتر از وازه‌های غیرсадه است و بیشتر وازگان مرکب از اسم و فعل تشکیل

یافته‌اند: **فرمان‌پذیر** (مجک: ۸ر) **تعلیم‌پذیر و خوپذیر** (عم: ۲۹و ۳۰ر؛ ام) (مجن: ۱۴ر).

به هر حال نوع ساختمان وازگان به کاررفته در این شرح نشانگر سبک خاص نیست زیرا مواردی مانند اندر، فراز، فرا و... را تنها

در نقل قول‌های مستقیم به کاربردها نداشت اما گاهی به تأثیر از همان نقل قول‌ها ناخودآگاه سبک مرسل دوره سامانی شکل گرفته است،

مانند **کاربرد فعل دعایی تاریخی: خدای تعالی باری دهاد و بدین تن‌ها چشم بد نرساند.** (مجن: ۱۵ر) به سبب

آن شراب مذکور را به شخصی دهاد که میراث خوار اسکندر است (مجک: ۵۸ج) (عم: ۴۹ر) گویا هدف اصلی شارحان در این باب، فقط غنی‌تر کردن ذخایر واژگانی و تدوین شرحی ساده و قابل‌درک برای جامعه‌ای ادبی خارج از ایران در شبه‌قاره بوده است.

### رسم الخط واژگان

بنابر اندیشه‌های ساختارگرایی و یافته‌های زبانشناسی و بر اساس مشخصه‌های زبانی مانند جدا و پیوسته‌نویسی و... متون علمی و ادبی از یکدیگر متمایز می‌شوند (رک. سرامی، ۱۳۹۳: ۴) اما طرز و سبک نویسنده، از رسم الخط او نیز تأثیر می‌پذیرد. در گذشته در کنار نویسنده‌گان، نسخ هم در سبک نوشتار تأثیر می‌گذاشت‌هند تعین اینکه ریخت واژگان و رسم الخط شروح خطی مطابق نظر شارحان یا نسخ است، دشوار است. در اینجا مینا را بر انطباق با نظر شارحان قرار داده و چگونگی آن‌ها را توضیح می‌دهیم. تفاوت‌های رسم الخطی بیشتر ناشی از نوشتن حروف هم‌ریشه و همسان به جای همدیگر است از جمله «ز» به جای «ذ» و بالعکس (مجن: ۲۳ج) (مجک: ۱۰۲) (عم: ۷۳ر) این ویژگی از نظر سبکی «املای کهن کلمات» نام گرفته و از مختصات سبک مرسل است. (رک. شمیسا، ۱۳۷۵: ۲۲۲)

اختلاف در حروف (ذ-د)، (ز-د)، (ب-پ)(ک-گ)، (ظ-ض)، (س-ث)، (ح-ه)، (ز-ض)، (د-ت)(آ-ا)، (ج-ج)، (س-ص) (ق-ک)، (غ-ق)، (ت-ط)، (ه-ه)، (ه عربی-ت) (واو مجھول - ضمۀ اشباع شده) (ناتل خانلری: ۱۳۷۸: ۳۲) در تمام شروح با فراوانی متفاوت مشاهده می‌شود که مطابق رسم الخط قدیم است و امروزه غلط املایی به شمار می‌آیند، مانند گذارش (مجن: ۲۳ج) (مجک: ۱۰۲) (عم: ۷۳ر) و برگزیده (مجس: ۱۲) ایزا = ایزا و گذارنده = گزارنده (مجن: ۵۵ع) بزاته = بذاته (مجس: ۵۹ر) تعوبز = تعویذ (مجس: ۲۱) پذیر = پزیر (مجس: ۳۲ج) گداشت = گذاشت. (مجن: ۱۲ج) بدله = بدلی (عم: ۶۹ع) (مجک: ۹۱ج) (مجن: ۲۴ر) باره - بی. (مجن: ۲۴ج) کمان = گمان (عم: ۱۷ج) فرنکی = فرنگی و کویند = گویند (مجس: ۸ج) عشوه‌گری = عشوه‌کری (عم: ۱۵۸ج) راه کیر = راه‌گیر (مجن: ۲۴ج) ظوابط (عم: ۴۱ر؛ ام) کسافت = کثافت (مجس: ۱۷ر) (مجن: ۸ج) نثر = نسر (مجس: ۱ر) حاروت = هاروت (مجس: ۲۱ج) حزیز = حضیض (مجس: ۷۴ر) فائز = فایض (مجن: ۶۲ع) پرده لعبد = لعبت (مجس: ۳۴ج) که در متون کهن آمده است (ناتل خانلری: ۱۳۷۸: ۳۵). شهیدآن = شهیدان (مجن: ۱۲ج) جامه = چامه (عم: ۳۵ج ح؛ ام) (مجن: ۱۷ج) رسگاه = رسگاه... (مجن: ۳۷ر) اسطلاح موسیقی (مجس: ۵۶ج) مترافق = مترافق (مجن: ۴۲ج در حاشیه) باسغ = باسق (مجن: ۵۴ر) شهر خطای = خطای (مجن: ۵۴ج) مطربه فلک = مطرب فلک (مجس: ۱۷ر) (مجن: ۸ج) خوردبینی = خردبینی (مجن: ۴۳ر) آمدش، آنچه و... - آمدش، انچه (عم: ۱۱۰ج) گرد براوردن (مجن: ۳۱ج)، اماده (مجن، ۵۵ر) و ... علاوه بر این، یکی از مختصات رسم الخطی شروح خطی حذف یا اضافه شدن یک حرف یا نقطه یکی از حروف در نوشтар واژگان است.

اضافه شدن «ه» به پیشوند فعلی «نَ» و «بِ» نه بینی (مجک: ۳۲ر) (همان: ۳۴ر) (مجن: ۱۶ج) (عم: ۲۱۲ر).

حذف واو معدوله: مانند خوار بر تن = خار بر تن (مجن: ۴۴ر).

حذف «ه» ملفوظ از آخر کلمات: مانند گیاهای شیرین (عم: ۱۵۰ج) بلکه - بلک (مجن: ۴۱ر).

روش شارحان در جدا و پیوسته‌نویسی هم با ویژگی‌های نثر ساده دوره سامانی مطابق است چنان که «را» مفعولی در هر دو نسخه عم و مجلس جز در موارد نادر و تثبیت‌شده مانند «موا» و «آنوا» جدا نوشته‌اند: (جهان را) (عم: ۲۶ج)، هیچکس را (مجلس: ۱۱ر) و...

پیشوندهای فعلی، حرف‌اضافه «به»، «است» اسنادی و ترکیبات وصفی به واژگان بعد خود پیوسته نوشته شده‌اند، مانند **نمیکرد**، **میخواست** (مجن، ۷۱ج) **بقصد** (مجک: ۸ج) **بحديث** (مجس: ۴۱ر)، **باندک**، **باعتبار** (مجن: ۴۴ع) **آنست** (مجک: ۵۵ر) **واقعست** (عم: ۱۱۰ر) و **چقسم** (مجس: ۵۹ح؛ سلطانیه) ... البته در نسخه مجلس و مجلس «است» به کلمات مختوم به صوت بلند بیشتر پیوسته نوشته شده‌است، مانند اوست (مجن: ۲۸ج) **جامهایست** (مجس: ۱ع).

مواردی مانند عدد و محدود، صفت اشاره و پسوندهای تفضیلی و عالی بیشتر جدا نوشته شده‌اند مانند **یک حرف** (مجن: ۲ع) **یکبار** (مجس: ۲۹ر) **آن حضرت** (مجک: ۸ر) (مجن: ۷ج) (مجس: ۱۲ج) این **صراع** (مجس: ۱۳ر)، **همایون** تر، **مبارک** تر (مجس: ۳۰ج) **نوایین** ترین، **منعم** ترین و **بزرگ** ترین (مجک: ۴۱ج) (عم: ۵۸ج) **محسوس** ترین (عم: ۷ج) **خوبتر** اما گاه به خاطر مقتضای خط نستعلیق، طبق عادت یا متناسب با ذوق ناسخ و رعایت ریخت زیبا، پیوسته نوشته می‌شوند، مثل **آنحضرت** (مجک ۱۶ر) (مجس: ۱۵ر) (عم: ۱۵ر) **آنچنان** (مجن: ۷ج) **آنخواجه** (مجس: ۱۲رح) **خوشترين** (عم: ۴۹ج) **خوبتر** (مجس: ۶۵ج). گفتنی است در نسخه مجلس صفت عالی ترین مشاهده نشد و چنان که در مثال‌ها می‌بینیم این پسوندها در شروح عم، مجک و مجلس هم برای لغات فارسی و هم برای لغات عربی استفاده شده‌اند. البته در مواردی مانند پیوستن علامت جمع «ها» به واژه مختوم به «های» غیرملفوظ که های غیرملفوظ حذف شده‌است، مانند **شعلهای آتش** (مجن: ۵۷ج) باید سهو ناسخ و نوع خط و شرایط فیزیکی نسخه را هم در نظر گرفت؛ و مهم‌تر اینکه در نسخ قدیمی بیشتر به پیوسته‌نویسی تأکید داشته‌اند.

با توجه به نمونه‌های مذکور متوجه می‌شویم که در نگاه کلی این غلطهای املایی یا نشانه‌های رسم الخط کهن در نسخه «عم» کمتر از دیگر نسخ شروح خطی است و ازلحاظ ریخت‌شناسی اصول یک متن علمی در آن‌ها رعایت شده‌است چنان که هیچ‌کدام از شارحان از افعال اول یا دوم شخص مفرد استفاده نکرده به‌جای آن از عبارت «**مؤلف گوید**» استفاده نموده‌اند که از نظر سبک‌شناسی متون علمی و ادبی، کاملاً قابل قبول است و سبک همه شروح از این نظر هم مثل دیگر نشرهای دوره غزنوی و سلجوکی بین‌بین است.

### ۳-۳-۳. سطح دستوری و نحوی

#### ۱-۳-۳. ترکیبات نحوی

با نگاه به توضیح صدھا بیت از شروح خطی آشکار می‌شود که بیشتر ترکیب‌های نحوی که جمله زیرساختی دارند، از نوع ترکیب اضافی و وصفی هستند. این ترکیبات اسمی و وصفی با توجه به تفسیری و توضیحی بودن شروح، بیشتر از واژه‌های پرکاربرد عربی در فارسی ساخته شده‌اند که به‌زیبایی در زنجیره گفتار و نوشتار جا افتاده‌اند اما ترکیبات نحوی مفعولی، نهادی، متممی و... بهندرت دیده می‌شوند، مانند ترکیب نهادی مثل **دلپسند** (مجن: ۳۹ر)، ترکیب مفعولی بازی کن و **سلاح‌پوش** (مجس: ۷۷ح)؛ **روح‌افزا** (مجس: ۳۹ج)؛ ترکیب عددی: مثل **چهار کیفیات** (عم: ۷ج) و...

با نگاه به نوع زبانی ترکیبات نحوی، ظاهرًا شارحان به دلیل گنجاندن معانی بسیار در واژه‌های اندک به استفاده از ترکیبات و عبارات عربی مانند احادیث، آیات ناگزیر بوده‌اند که گاه این ترکیبات خام زبان ایشان را از لطف و ظرافت دور کرده‌است، از جمله:

- مطابقت صفت و موصوف و عدد و معدود: در کتب طبیبه مرقوم است (عم: ۱۵۱ج). به کثرت افعال ذمیمه (مجس: ۴۸) نُه حجره: یعنی از فکر علایق ظاهری و عبارت است از خانه ازواج مطهرات (عم: ۱۷ر) به مقتضای موتوا قبل ان تمتووا به طریق مردگان شده‌ای (مجک: ۱۴۳ج). اما به مقتضای آیه کریمہ «لا تخافون لومه الا یم» مرا باکی نیست (عم: ۱۳۳ر) و نیز (مجس: ۱۳ج ح؛ سلطان) ادیان باطله (مجس: ۱۲رح)، افعال صالحه (مجس: ۱۶ع ح؛ سلطانیه) توجهات رکیکه (عم: ۱۵۰ج) توجیه نسخه مشهوره (همان: ۱۵۳ج) لوازم شعریه (مجن: ۲۴ج) عجایب بلبلان (همان: ۲۵ج) اجسام مرکبه (مجک: ۱۹۱ج) هر دو خواص دارا (مجک: ۱۳۲ج).

البته غیر این موارد از قاعده فارسی پیروی شده است، مانند سه معنی (مجک: ۱۹۱ج) سه علم حکمی (مجک: ۲۰۲) چهار چنبر (عم: ۲۱ح) چهار نکته (مجس: ۷ر) این نوع ترکیبات عمدتاً در ترکیبات هنری مانند استعاره، تشبيه و کنایه به کار نرفته است.

- کاربرد صفات عربی در نقش جمله معتبرضه:

یکی از مشخصه‌های زبانی شروح خطی، آوردن صفاتی از قبیل تعالی، سبحانه، بر سر ضمیر و ... است که نقش جمله معتبرضه را دارند؛ یعنی به جای اینکه بگوید: خدای تعالی یا سبحانه، می‌نویسد: ذات او تعالی... قوله تعالی/ فی الحقيقة عبارت است از وی تعالی... (مجس: ۸ع به نقل از سلطان) (عم: ۸ج) (مجن: ۸ر) (مجک: ۲۲ر).

با وجود اینکه این موارد در کل بسامد بالای ندارد اما در عربی‌مآبی نثر زیاد تأثیر دارند زیرا کاربرد امکانات زبان عربی، سیک و زبان هر نویسنده و شاعری را به سبک و سیاق خاصی سوق می‌دهد.

### ۳-۳-۲. مفردات نحوی

غیر از ترکیبات نحوی مفردات دستوری (عربی - فارسی) در زبان علمی شارحان دیده می‌شود، از جمله:

- کاربرد اسم فاعل به جای مصدر (مفرح: به معنی لازمه فرحت). (مجن: ۱۸ر) (عم: ۳۶ج ح؛ ام).

- به کارگرفتن اسم تفضیل: **آب دادن اهم است یا احتمال دوم اقوی است.** (عم: ۸۰ر و ۱۵۱ج).

- استفاده فراوان از جمع مؤنث عربی: مانند تخیلات و خیالات (عم: ۳۶رح ام) معلومات (مجک: ۵ر) و معجزات و برکات و فیوضات و آب حیوان در ظلمات پوشیده است (مجن: ۸ر) و نیز (عم: ۷ج) (مجن: ۲۷ج) (مجک: ۲۸ج).

- استفاده فراوان از جمع مکسر که سطح زبان شروح را تا حدودی برای درک و دریافت بهتر مفاهیم بالا می‌برد مانند متواتر (عم: ۷۹ر) ازمنه (عم: ۸ج) (مجس: ۷۸ج) علایق و عوايق (مجس: ۱۸ر) سخن‌های لاطائل و نصایح دور اذکار گفته (عم: ۱۶۲ر) این کلمات به ندرت با ارادت جمع فارسی یا عربی جمع بسته می‌شوند: عجایبات گوناگون درشت (مجس: ۱۹رح؛ سلطانیه).

- کاربرد ضمایر: در چهار شرح خطی بیشتر از ضمیر سوم شخص مفرد استفاده کردۀ‌اند؛ اما ضمایر فاعلی «من، تو، ما و شما» هم در متن یافت می‌شود. من در بعضی نسخ بیت مذکور چنین یافتم (مجک: ۱۹۹ر) همچنین از ضمیر سوم شخص جمع «ایشان» برای ارجاع به اسامی ذی روح و هم غیر ذی روح و از دیگر ضمایر پیوسته مانند «ش» به تناسب تأکید فاعل یا مفعول استفاده شده است. «آماینده گوهرهای اربعه عناصر در رشته خلقت انسانیه و اعتدال دهنده در ایشان

توبیی» (مجس: ۷۴) در عالم حکما کار می‌کردند تصور نظر ایشان محروم نمی‌آید. (مجس: ۷۴) و (مجس: ۱۱) (ج)  
درجات ایشان (مجن: ۸) ر) و ...

- کاربرد افعال: بیشتر افعال با توجه به معنای ابیات در زمان ماضی ساده، نقلی، استمراری و مضارع التزامی بدون بای تأکید و مضارع ساده با فعل «است» به صورت معلوم و مجھول به کار رفته‌اند. (رک. عم: ۱۹) (مجس: ۱۶) (ج؛ سلطانیه) (مجک: ۲۱) (ج) اما ظاهراً کاربرد افعال در زمان حال بیشتر است. برای نمونه: تنیده تنش: در اینجا به معنی تافتن است و اطلاق این بر جسد مجاز است که جسد را در خاطر به لباس تشبيه داده، پس استعاره بالکنایه خواهد بود (عم: ۲۰) (ر) (مجک: ۲۱) (ج) یعنی وجود مبارک حضرت رسالت پناه در شب معراج بر روحانیان جسد نور تنیده. ای بافته و نسبت فاعلیت تنیده شدن به تن مجاز است. (مجس: ۱۷) (رح؛ عبدالرسول)

فعل وجهی بایستن فقط در عم و مجک، عمدتاً برای ایجاد ساخت غیرشخصی به کار رفته‌است، مانند «آن رایزن که پیر بود بایستی خوش‌آمد دارا می‌کرد» (عم: ۲/۷۹) (مجک: ۱۵) هرچند بایستی که ... (عم: ۸۴) (مجک: ۱۲۵) (ر) ظاهر آن است که در این مقام لفظ آورد به صیغه ماضی باید. (عم: ۷۰) (ر)

### ۳-۳-۳. جمله و اجزای آن

چینش اجزای جمله با ارزش‌هایی متفاوت به زبان و سبک نویسنده بستگی دارد که مؤلفه‌های زیر در نوشتار شارحان دیده می‌شود: حذف اجزای جمله: حذف به قرینه لفظی در توضیحات طولانی شروح دیده می‌شود که غرض از آن حذف‌ها بیشتر، اختصار است و دیگر اغراض در طول این غرض قرار ندارد. مانند: «یکی گفت که من به دلیری و مردانگی جنگ رومیان را برهم زنم و دیگری گفت من به حیله و فریب [برهم زنم]» (عم: ۹۰) (مجک: ۱۳۴) اما حذف به قرینه معنوی بیشتر در توضیحات کوتاه مخصوصاً توضیحات تلگرافی نسخه مجن دیده می‌شود. مثلاً حذف فعل استنادی «است» و «شد» به قرینه معنوی «از رومی مراد اسکندر و از زنگی مراد پادشاه زنگ» (مجک: ۷۰) در روم و شام؛ صفت کس [است] (مجن: ۳۷) (ر) مقوله مولوی علیه الرحمة بر سبیل قصه مذکور [شد] (مجن: ۳۷) (ر) و نیز (عم: ۱۵۲) (ج) (عم: ۲/۷۷) (مجک: ۱۱۱) در بیشتر جملات شروح عم، مجک و مجس؛ حتی در صورت حذف یکی از اجزای جمله، نهاد و فعل مطابقت دارند و به آن تأکید کرده‌اند: «لفظ بود مفرد و حشیان جمع واقع است و آن چندان قباحتی ندارد و سابق مذکور شده که اختلاف مفرد و جمع در مسند و مسندالیه در فارسی بسیار آمده و...» (عم: ۲/۶۷) (مجک: ۸۷) (ج).

برخی از شارحان افعال را به صورت وجه وصفی برخلاف صورت صرفی برای همه اشخاص و زمان‌ها به یک وجه استفاده می‌کنند (ذوالفاری، ۱۳۸۷: ۲۴۲)، مانند «به زر منقش کرده بر سر علم، خود و مغفر بندند...» (مجن: ۳۵) (مجس: ۵۵).

در مواردی یکی از اجزای جمله مانند حرف عطف «و»، حرف ربط که اسم، صفت و افعال استنادی «شد و است»، تکرار می‌شود، مثلاً و بدان که در بعض نسخ واو عطف بعد عزیزند واقع است و این عطف انشاست بر اختیار و این گاهی در فارسی می‌آید» (عم: ۱۷۶). «سخن که حرف است کیفیتی است خاص وابسته به کیفیتی دیگر که آن هوای مسموع است» (مجن: ۲۵) (ر). کمی (مجن: ۹) (ج). «... دیده است فاما دروغ نیست عین راست است» (مجن: ۲۴) (ج). ... جسم است... تمثیل است» (مجس: ۳۵) (ج) و نیز. (عم: ۱۵۴) (ج).

از نظر کوتاهی و بلندی جمله‌ها، در تمامی نسخ بیشتر جمله‌ها ساده‌اند و جمله‌های مرکب هم اطیاب نداشته یک یا دو فراکرد دارند که باعث انسجام توضیحات شده‌است، مثلاً «*خیرالشارحین در توجیه نسخه مشهور نوشته که اسکندر را با اژدهای سیاه یاد نموده یعنی شنیده نشده که طرف هیچ کشوری مانند این شیر تندی دیگر از روم برآمده در او نهاده باشد و گویا این ادعایی است که مدام از روم شیران به اقطار عالم می‌روند و بعد و رکاکت این نسخه و توجیه بر سخن فهم بلاغت شناس پوشیده نیست» (عم: ۱۵۳) و نیز (مجن: ۲۲ج).*

مجک و مجن و مجس جملات کوتاه و ساده بیشتری دارند (رك؛ مجک: ۷۰ر) خاصه مجک که به‌اطار بیان معنی کل بیت بیشتر جملاتش کوتاه است؛ اما در کل شارحان اجزای جمله را به‌طور کامل می‌آورند به‌جز در نسخه مجن که با اختصار بیشتری بیان شده‌است.

شارحان ترتیب اجزای کلام را رعایت کرده، ساده‌نویسی و عادی‌نویسی (Common Core) را مدنظر داشته‌اند؛ از جمله، مقدم داشتن فعل بر متمم و مفعول به‌ندرت دیده می‌شود که یکی از ویژگی‌های سبک مرسل است. مانند «به اعتبار آنکه در زهر آب داده باشند به وقت ساختن» (مجک: ۸۴ج). «*مفعول فرستاد که قاصد باشد محفوظ شده از جهت وضوح.* (مجک: ۱۰۷) موکل است بر ستارگان و پیکران» (مجس: ۵۵ج).

در نسخه مجن بیشتر موارد توضیحات شکل جمله نداشته، به‌صورت ترکیب و بی فعل بوده از اختصار زبانی برخوردار است اما گاه به جمله‌هایی برمی‌خوریم که فعل مجھول را نادرست به کار برده است؛ مثلاً «*یعنی چرم خود را به ریاضت چنان دباغت داده‌ام که از هر نوعی آن را بر تافتہ و پیچیده شود؛ ای حمل کند*» (مجن: ۲۹ر) که وجود نشانه مفعول و فعل مجھول جمله را دچار ابهام<sup>۱</sup> می‌کند.

استفاده از جمله‌ها، افعال و واژگان تأکیدی یکی دیگر از عناصرِ نحوی به کار رفته در شروح خطی است که از نشانه‌ها و ویژگی‌های سبک علمی و ساده است، مانند «*بدان که*» در آغاز توضیحات اکثر ابیات به کار رفته است (مجک: ۹۳ج) (عم: ۹۳ر) (مجس: ۸۷) یا از کلماتی مانند، «*مناسب است*» و «*این بهتر است*» به‌منظور ارتباط منطقی جملات با یکدیگر استفاده شده است. (مجک: ۲۴۲ج) (عم: ۱۶۳) (مجک: ۱۰۶) (عم: ۴۸ر) و زمانی که لازم است به منابع، حقایق خاص، دستورالعمل‌ها و غیره اشاره شود؛ از عباراتی مانند «*چنان که بر متبع پوشیده نیست*» (عم: ۴۵ج) استفاده کرده‌اند.

### ۳-۳-۴. کاربردهای کهن

از قراین دستور تاریخی می‌توان به کاربرد حروف خاصی مانند «به» قیدساز، «را» و حرف اضافه «به» و حرف «مر» در شروح خطی اشاره کرد که از مختصات سبک مرسل است البته بسامد ندارند: «به» قیدساز؛ به مجاز (مجس: ۲۵ج، ۱۴ج) (مجس: ۷ح. ر. به نقل از ش. ۱۴ج) (مجک: ۳۶ر) و (عم: ۹ر) به حسب یقین (عم: ۱۳ر).

رای مفعول: این زبان را بسوخت (مجک: ۵۳ر) (عم: ۴۳ج).

<sup>۱</sup> Ambiguity

رای مالکیت: که ایشان را قصص متعددین یاد باشد. (مجن: ۲/۳۶) و نیز (مجس: ۶۴) عچ ح؛ سلطانیه) و (مجک: ۱۴۹) عچ ج مدعاي معرفت را به تو راه نiest. (مجن: ۷).

رای فک اضافه: او را چرخ در گشود (مجس: ۷۱) و نیز (مجن: ۵۷) و (مجک: ۲۱۹).

حرف اضافه «به»: آذرخرد او را گويند (مجس: ۹۲) ر و او را کارفرمایم (مجک: ۱۶۵) (ع: ۱۰۸).

حرف اضافه «برای»: آب او را حکم هوا دارد. (مجک: ۱۷۸) (ع: ۱۱۵).

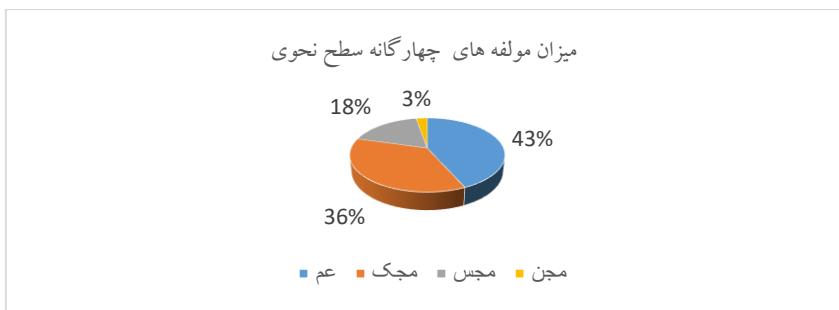
حرف اضافه «به» درمعنای «در»: لهذا به هند درازدست گفتندی (مجس: ۸۹) عچ.

کاربرد حرف اضافه «مر» به شیوه کهن: رسته بودند مر صدفها را (مجن: ۳۲) یعنی عقل همسایه نیک است مر آدمی را (مجک: ۱۱۰) عچ (ع: ۷۷) و نیز (مجس: ۳۲) عچ.

علاوه بر حروف خاص، از نشانه‌های دستور تاریخی گاه واژه‌های متروک و افعال کهن مشاهده می‌شود که در اثر گذر زمان از زنجیره زبان حذف شده‌اند، مانند:

ای<sup>۱</sup>: به معنی یعنی که از اواخر قرن ششم هجری متروک مانده است (ناتل خانلری: ۱۳۷۸: ۲۲۹) و در بیشتر موارد متراff با «یعنی» و نشانگر بدل توضیحی است (مجس: ۱۵۷) عچ دستارخوان (ع: ۱۷) که با وجود فارسی بودن، در فارسی متروک شده اما در زبان ترکی کاربرد دارد.

افعال کهن: ماضی التزامی مستمر: طلا را بر سنگ می‌زدھ باشند (مجک: ۲۶۷) عچ. امر مستمر: می‌رو (مجن: ۶۱) ماضی استمراری: خون از جسم من جاری همی‌آید (مجس: ۱۵۵) عچ؛ سلطانیه... از مذاق سخن همی بسیار بعید است (مجک: ۵۵) عز.



با بررسی شروح طبق قواعد صرف و نحوی زبان در دوران گذشته و چگونگی پیدایش، رواج و متروک شدن این قواعد (مهیار: ۱۳۷۶: ۱۱۴) بی‌میریم که اولاً شارحان در نسخ خطی به نشانه‌های زبان معیار و کهن و تحولات واژگان و قواعد دستوری (فرشیدورد: ۱۳۸۲: ۳۶) توجه نموده و در نوشтар خود را بروز داده‌اند چنان‌که خان آرزو برای بیان اینکه نظامی به زبان معیار و محاوره‌ای زبان خود سخن گفته در بیشتر موارد با عبارت «چنان‌که در محاوره آید»، سند معنی لغات و عبارات را از محاوره می‌آورد. با اینکه از مؤلفه‌های دستور تاریخی بیشترین درصد فراوانی با ۴۳٪ و ۳۶٪ به نسخه عم و مجک تعلق دارد که با در نظر گرفتن حجم شروح خطی و متن شرونامه در کهنه‌گی نثر آن‌ها تأثیر زیادی ندارد.

## نتیجه‌گیری

از نقد و بررسی داده‌ها درباره ویژگی‌های زبانی و سبکی شروح خطی شرفنامه نظامی گنجوی نتیجه می‌گیریم که از نظر آوای، شارحان شرفنامه مفاهیم را مستقیم انتقال می‌دهند. در تلفظ واژگان و جمله‌ها پیچیدگی ندارند. زبانشان با زبان معیار فارسی دری هند و ایران آن زمان متناسب است.

از نظر واژگان این شارحان ضمن رعایت حال مخاطبان بروز مرزی در انتخاب واژگان معیارهای محاوره، حقیقی، انتزاعی، ساده، متون و عامه‌فهم بودن را در نظر گرفته‌اند و به خاطر استفاده از کلمات عربی در کار استعمال لغات فارسی کهن نثر خود را از ساده به بینایین ارتقا داده‌اند اما در کاربرد واژگان عربی یکدست عمل نکرده‌اند. با وجود این، نثر و زبان همه شروح خطی امروزه هم برای عوام قابل‌درک است؛ زیرا در بیشتر موارد مانند کاربرد، ساخت و ریخت و رسم الخط واژگان، طبیعی عمل کرده و دخل و تصرف نکرده‌اند و اختلاف‌های موجود بیشتر ناشی از حروف هم‌ریشه و همسان و جدا و پیوسته‌نویسی، مقتضای خط نستعلیق، رعایت ریخت زیبای واژگان است. همه این موارد با شدت و حدت غیرمحسوس در تمامی نسخ شروح خطی مشاهده می‌شود و در نگاه کلی از لحاظ ریخت‌شناسی<sup>۱</sup> اصول یک متن علمی در آن‌ها رعایت شده‌است چنان‌که هیچ‌کدام از شارحان از افعال اول شخص مفرد یا دوم شخص مفرد استفاده نکرده‌اند به‌غیراز مواردی جزئی از اطناب، زیاده‌گویی و کاربرد واژه‌های مترادف پی‌درپی خبری نیست و از به‌کارگیری واژه‌های ثقلی هم تا حدودی پرهیز نموده‌اند.

از نظر نحوی هم شروح خطی شرفنامه جز در بعضی از ترکیبات نحوی خام و غیرطبیعی در کاربرد ترکیبات نحوی، جمله‌بندی و جابجایی اجزای آن، تکرار افعال، قواعد دستور تاریخی و... ایده‌آل عمل کرده‌اند، با اینکه گاهی غلط‌های صرفی و نحوی در زبان شارحان مخصوصاً ابونصیر سفیانی و محمد اکرم صاحب دیده می‌شود و مطابقت صفت و موصوف به شیوه عربی عبارات آنان را از یکدستی طبیعی اندخته، تکرار تعارفات و تکیه‌کلام‌ها، عدم تعمق و امانتداری و ترک دقت در ذکر سال‌ها و احوال تاریخی نشان را می‌عیوب کرده‌است.

با توجه به مختصات آوای و لغوی و نحوی ذکر شده و طبق نظر استاد خانلری نثر این شروح خطی در «دوره فارسی درسی» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۸۶) قرار می‌گیرد اما هم ویژگی‌های سبک مرسل دوره سامانی مانند ایجاز و اختصار، تکرار فعل و اسم به حکم ضرورت معنی، کوتاهی جملات و مطابقت عدد و محدود در جمع و هم ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی مانند استشھاد به آیات و احادیث، تقلید از نثر عربی در تکیه‌کلام‌ها و سربندها و ... حذف افعال به قرینه و استعمال لغات عربی در نثر ایشان دیده می‌شود.

به نظر می‌آید که شارحان به اقتضای محدوده مخاطبان و به جهت ساده‌نویسی در نثر خود کهن‌گرایی<sup>۲</sup> دارند و از واژه‌ها و دیگر مختصات سبک خراسانی استفاده کرده‌اند و نثر خود را از نظر سبکی چهره‌دار نموده‌اند و درنهایت به سبکی بینایین رسیده‌اند بر این پایه، نثر ایشان علمی، ساده و روان و آمیخته با واژه‌های عربی است چنان‌که در متون به‌جامانده از دوره صفویه (از قرن دهم تا دوازدهم) به هر سه نوع نثر فنی، ساده و متکلف برمی‌خوریم (رك، مؤلفان، ۱۳۸۲: ۴۷). در قضاوت کلی نثرهای علمی مانند شروح خطی شرفنامه در ایران و هندوستان باید گفت این آثار به نثری ساده و عوام‌فهم و کاملاً متأثر از صرف و نحو عربی، به شیوه علمی قدیم و سبک موجز و پخته و عبارت‌پردازی درست فارسی تحریر شده‌اند (بهار ۱۳۸۶: ۳۰۵) و به قول بهار، این نثرهای ساده می‌عیوب برای لذت بردن و چیز فهمیدن بهتر از کتب فاضلانه‌ای است که در این عهد نوشته شده‌است (بهار ۱۳۸۶: ۲۶۰) و

<sup>1</sup> Morphology

<sup>2</sup> Archaism

در شیوه‌ای و لطف و ادای مقصود بسیار مفید و مطلوب‌اند. به‌حال تمام ویژگی‌های زبانی و سبکی شروح خطی شرف‌نامه نشانگر سبک علمی ساده بینایی‌من در دوره صفویه است.

## منابع

- آرزو، سراج الدین علی خان (۱۲۹۳ق). *شرح اسکندرنامه*، با ۲۸۰ برگ به شماره ثبت ۲۰۹۹۵۱ و شماره ۱۸۷۸۶، نسخه خطی تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی. «عم».
- اکرم صاحب، محمد (قرن ۱۳). *شرح اسکندرنامه*، با ۹۴ برگ شماره نسخه: ۱۸۷۸۱/۱، تهران: نسخه خطی کتابخانه مجلس. «محن».
- بهار، محمد تقی (۱۳۸۶). *سبک‌شناسی، چاپ نهم، ج ۱ و ۳*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پهلوان شمسی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۷). «تحلیلی بر رویکرد سبکی نسخه خطی شرح محتنامه جامی»، *دوفصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی*، دوره ۳، شماره ۷ صفحه ۱۲۵-۱۴۸.
- ثروتیان، بهروز (۱۳۶۸). *شرف‌نامه نظامی گنجوی (شرح و توضیح)*. چاپ اول، تهران: انتشارات توسعه.
- ترابی، سید محمد (۱۳۷۰). «حکیم نظامی مبتکر ساقی‌نامه»، آشنا، سال اول، آذر و دی، شماره ۲.
- خاکپور، محمد و محمد مهدی پور و مهدی باقری (۱۴۰۰). «دیدگاه‌های بلاغی‌صهباً در شرح سه نظر ظهوری»، *نشریه علمی جستارهای نوین/ادبی*، شماره ۲۱۴، پاییز. دوره ۵۴ شماره ۳ صص ۸۱-۵۵.
- ستوده، غلامرضا (۱۳۸۶). *مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۹۳). از رنگ گل تا رنچ خار؛ *شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه*، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شایگان‌فر، حمیدرضا (۱۳۹۳). «نقد تصحیح خمسه نظامی به کوشش بصیرمذدهی، در مقایسه با نسخه‌های مصحح وحید دستگردی و مسکو»، *متن‌شناسی اصفهان*، دوره ۶ شماره ۱، خرداد ۱۳۹۳، صفحه ۴۱-۶۰.
- شمیشیری، بابک و نوشادی، محمود رضا (۱۳۸۶). *مطالعات برنامه درسی علمی-پژوهشی وزارت علوم*، پاییز، شماره ۶ ص از ۵۱ تا ۷۸.
- شجیسا، سیروس (۱۳۷۵). *کلیات سبک‌شناسی*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی ساختار «شرح‌نویسی» در حوزه فهم ادبی»، *فنون ادبی*، شماره دو پاییز و زمستان، سال دوم، اصفهان، صص ۶۳-۸۰.
- غريب، رز (۱۳۷۸). نقده بر مبنای زیبائی‌شناسی، چاپ اول، ترجمه نجمة رجایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- غلامحسین‌زاده غلامحسین و همکاران (۱۳۸۷). «نقد و تحلیل شرح‌های اسکندرنامه نظامی گنجوی»، *ادبیات فارسی*، پاییز ۱۳۸۷، دوره ۵ شماره ۱۹، صص ۳۱-۵۵.
- فتوحی محمود (۱۳۹۲). *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- فرشیدورده، خسرو (۱۳۸۲). عربی در فارسی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فرزاد عبدالحسین (۱۳۸۸). درباره نقد ادبی، چاپ پنجم، تهران: نشر قطره.
- فؤادیان، محمدحسن و حاجی‌پور طالبی، جلیل (۱۳۹۷). «بررسی، تحلیل و معرفی سبک نسخه خطی شرح فارسی بر کافیه ابن حاجب» به نقل از سایت <https://civilica.com/doc/902133>
- کریپندورف، کلوس (۱۳۷۸). *تحلیل محتوا*، چاپ پنجم، ترجمه هوشنگ نایب، تهران: انتشارات روش.
- كمالی، آمنه و همکاران (۱۳۹۷). «بررسی محتوایی و سبکی نسخه خطی ترجمه و شرح رساله طب‌القلوب»، *زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد سنندج*، سال دهم، بهار، شماره ۳۴-۱۰۶-۱۳۱.
- مؤلفان (۱۳۸۲). *ادبیات فارسی تخصصی پیش‌دانشگاهی*، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات کتب درسی.
- نائل خانلری، پرویز (۱۳۷۸). *دستور تاریخی زبان فارسی*، چاپ چهارم، به کوشش عفت مستشارنیا، تهران: توس.
- ناشناس (بی‌تا). *شرح اسکندرنامه*، با ۲۸۰ برگ، به شماره ثبت ۱۴۲۰۷/۱، تهران: نسخه خطی کتابخانه مجلس. «مجک».
- نصیرالدین سفیانی، محمد (قرن ۱۲). *شرح شرف‌نامه*، با ۹۷ برگ، شماره ثبتی ج ۲۰۹۳۷۰، تهران: نسخه خطی کتابخانه مجلس. «مجس».

همایی، جلال الدین (۱۳۸۹). فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ سیام، تهران: مؤسسه نشر هما.